

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بررسی صور نادر الوقوع و فرضی

بررسی برخی از صور تلقیح را ملاحظه فرمودید و حکمش را هم بیان کردیم. صور دیگری هم وجود دارد که شاید بسیار نادر الوقوع باشد و یا اصلاً واقع نشود. مثلاً این فرض هست که اگر تلقیح از منی مرد و تخمک یک حیوانی تشکیل شود، بعد این را در مهبل یک انسان یا حیوان دیگری قرار دهند، آیا این جایز است یا نه؟ باز هم به استناد آن ادله باید در اینجا اظهار نظر کرد.

بررسی طبق روایات

اگر دلیل روایات باشد، روایات تماماً در مورد نطفه و تخمک انسان است. در روایات هیچ موردی نداریم که اگر از تخمک حیوانی استفاده شد آیا جایز است یا جایز نیست. «من اقر نطفته في رحم يحرم عليه» ظهور بسیار روشنی دارد در آنجایی که دو طرف - یعنی منی و تخمک هر دو - از انسان باشد، لذا کسانی که دلیل برای حرمت تلقیح را روایات قرار می‌دهند می‌گویند این مورد از مورد روایات خارج است. وقتی خارج شد می‌رویم سراغ اصل اولی که در آن اصالة البرائة جاری می‌شود.

بررسی طبق نظر مختار استاد

اما طبق راهی که ما تا به حال دنبال کردیم اطلاق آیه فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ شامل این مورد هم می‌شود - تأکید می‌کنم در اینجا دقت کنید؛ خداوند می‌توانست به اینجا که رسید آیه را تمام کند «وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ* إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ». که مؤمنین کسانی هستند که حافظ فروج خودشان هستند مگر بر ازواج و ملک یمین، اما اینکه در ذیل آیه دو مرتبه با فاء تفریعه ضابطه کلی را بیان می‌کند و می‌فرماید «فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ» این معنایش این است که اولاً وراء ذلک ممکن است یعنی وراء این ارتباط زوج و زوجه، امکان دارد که یک مرد اجنبی بیايد با این زن و یا تخمک زن دیگری را در رحم این زن قرار دهند، که ما گفتیم اطلاق آیه تمام اینها را شامل می‌شود.

از جمله اینها آن است که اگر تخمک حیوانی را بخواهد زن در رحمش قرار دهد و بعد از آن با شوهر خود آمیزش کند و بچه‌دار شود. تمام اینها جزو اطلاق فمن ابتغاء وراء ذلک است - خداوند می‌خواهد بفرماید این طرف حلال این است، و ما از راه دلالت استثناء و مفهوم حصر می‌فهمیم که اگر این ارتباط نباشد حرام است، اما شارع همین مفهوم را ذکر می‌کند و آن را منطوقی می‌کند تا اصلاً مجالی برای آن نزاع‌هایی که در اصول وجود دارد نماند - که بعضی قائلند به اینکه اطلاق و تقیید در رابطه با

خود منطوق معنا دارد و نمی‌توان گفت مفهوم اطلاق دارد و مقید باشد - این را شارع منطوقی کرده است و فرموده‌اند «فَمَنْ اِبْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ». اگر زن بخواهد نطفه یا تخمک حیوانی را در رحم خود قرار دهد اطلاق آیه اینها را می‌گیرد.

صورت دیگر

همچنین امروز در علم پزشکی از گیاهان هم استفاده می‌کنند که جزئیات آن را درست نمی‌دانیم. کسانی که دلیل برای حرمت را روایات قرار می‌دهند و می‌گویند روایات می‌گوید که باید دو طرف انسان باشد و ظهور در این دارد و اگر یک طرف آن غیر انسان شد از مورد روایات خارج است لذا اصالة البرائة جاری می‌کنند. اما ملاحظه می‌فرمایید که این صورت هم به نظر ما در اطلاق آیه داخل است.

بررسی بحث از طریق مقاصد الشریعة

ما نمی‌خواهیم وارد بحثی به نام مقاصد الشریعة شویم، - که نمی‌دانم به آن اشاره کرده ام یا نه - ، علمای اهل سنت به این بحث مقاصد الشریعة خیلی پرداخته‌اند. مقاصد الشریعة یعنی هدف خداوند از تشریع این قوانین چه بوده است و چه غایتی را دنبال می‌کرده و آن غایت را در استنباط و اجتهاد داخل می‌دانند. البته مقداری از آن در فقه ما هم هست، مثلاً در آنجایی که فرض کنید علت منصوص داریم، اینها در مقاصد الشریعة می‌گویند ما مقصد و غایت را پیدا کنیم.

مثلاً می‌گویند یکی از اهداف شارع از تشریع قوانین حفظ نسل است، یعنی به همین شکل انسانی، به طوری که پدر و مادر معین باشد اگر تلقیحی امکان داشته باشد که از بعضی از آیات قرآن چه بسا اشعاری به این معنا باشد «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» □ و مسیر خلقت انسان که از کجا شروع می‌شود و در کجا قرار می‌گیرد و چند وقت می‌ماند و تا برسد به انسانی که متولد می‌شود، این را ذکر می‌کند. از آن استفاده می‌شود که راههای دیگر هم ممکن است وجود داشته باشد اما احسن تقویم نیست.

هدف شارع این است که انسان از راه احسن تقویم متولد شود و راهش فقط ارتباط زوج و زوجه است. حتی بعضی‌ها در همین جا جمود می‌کنند و می‌گویند فقط هم از راه طبیعی جائز است. اما فقهای ما می‌فرمایند نه اگر از راه دیگری هم باشد حلال است. فرض کنید زن، نطفه شوهرش را که او عزل کرده بردارد و در رحم خود قرار دهد و بچه‌دار شود این مانعی ندارد، اما همین راه باشد. اگر ما تخمک حیوان و یا گیاهی را بخواهیم بیاوریم چه بسا با این غرض منافات داشته باشد اما نمی‌خواهیم بگوییم که دلیل است.

خواستگاه بحث مقاصد الشریعة

عرض کردم که اهل سنت خیلی به بحث مقاصد الشریعة پرداخته‌اند و به عنوان علم مطرح کرده‌اند. شما در علم اصول موضوع، تعریف، غایت، مسائل و... را بیان می‌کنید و اینها هم در علم مقاصد الشریعة تمام اینها را بیان می‌کنند. بعضی از محققین ما می‌گویند اولین کتابی که در بحث فقه نوشته شده است، توسط شیخ مفید نگارش یافته است و از نظر تصنیفی ما را مقدم می‌دانند. اما اصول فقهی را که امروزه ما داریم چهارچوبش شبیه به اهل سنت است اما محتوای آن زمین تا آسمان متفاوت است. آنها بحث اجماع و قیاس دارند ما هم داریم.

تمام این مباحث الفاظ که مطرح می‌شود را ما داریم، اما این مبانی مهمی که بزرگان ما در باب وضع دارند اصلاً در کلمات آنها وجود ندارد. در مباحث مقاصد الشریعة، که ما هم در فقه خودمان گاهی اوقات فقها تعبیر می‌کنند به «ذوق فقهی» «مذاق شرع»، اینها با مقاصد الشارع دور نیست، اما اینها را باید یک کنکاشی کرد و به نتیجه‌های روشنی رساند. می‌خواستم اشاره کنم که شارع چه بسا می‌خواهد از این راه این نسل ادامه پیدا کند.

اگر کسی گفت ما از ادله استفاده می‌کنیم که ادامه نسل از راههای دیگری هم ممکن است، مثلاً ممکن است نطفه مرد را بگیرند و تخمک این زن را هم بگیرند – که زن و شوهر شرعی‌اند – اما در دستگاه بگذارند تا آخر و بعد هم بچه ای متولد شود که ظاهرش انسان است که ممکن است بسیار جمیل هم باشد، ممکن است قوی و فربه هم باشد و حین ولادت 5 کیلو هم باشد، به حسب ظاهر ممکن است اینطور باشد، اما آن خصوصیات که در رحم مادر وجود دارد هرگز در او محقق نشده است، و چه بسا شارع فقط آن راه را می‌خواهد و بعضی می‌گویند از آیات قرآن هم استفاده می‌شود.

حکم این صورتهای تلقیح

کسانی که دلیل خودشان را روایات قرار می‌دهند، نمی‌توان از روایات حرمت اینها را استفاده کرد؛ آنجایی که یک طرف تخمک حیوان یا تخمک گیاه باشد یا منی حیوان باشد، اما اطلاق آیه شریفه تمام این موارد را حرام می‌داند.

بررسی صورت دیگری از تلقیح

در صورت قبلی که گفتیم اگر در خارج نطفه مرد را به تخمک زنی که زوجه این مرد نیست تلقیح کردند، گفتیم نسبت به این تلقیح خارجی اگر ما باشیم و روایات و از روایات نسبت به رحم الغاء خصوصیت کنیم و بگوییم **من اقر نطفته فی رحم یحرم علیه**، رحم خصوصیت ندارد آنچه که روایات می‌گویند این است که نطفه مرد با تخمک زنی که زن او نیست بخواهد تلقیح شود، همین تلقیح خارجی هم حرام است. اما عرض کردیم که **فَمَنْ اِنتَفَى وَرَاءَ ذَٰلِكَ** شامل این نمی‌شود. یک بحث این است که حالا که این نطفه تلقیح شد، آیا می‌شود آنرا در رحمی قرار دهیم، می‌خواهد رحم زن صاحب منی باشد یا رحم اجنبیه باشد؟

حکم این صورت

برخی می‌خواهند بفرمایند که همان طوری که در باب زنا بعد از آن که تلقیح بین ماء و تخمک تحقق پیدا کرد سقط جنین جایز نیست، کاشتن این نطفه در رحم هم جایز است، یا اینجا رحم هم مثل دستگاه می‌ماند چطور بعد از تلقیح می‌توانند در دستگاه قرار دهند تا تبدیل به انسان شود، قرار دادن آن در رحم هم اشکالی ندارد.

نظر استاد

طبق مبنايي که ما دنبال کردیم اینجا هم حرام است. ما گفتیم اگر زن رحم خود را در اختیار منی غیر شوهرش یا تخمک دیگری که منی شوهرش با آن تلقیح شده باشد ولو آن زن، هووی زن باشد قرار دهد، این می‌شود **«فَمَنْ اِنتَفَى وَرَاءَ ذَٰلِكَ»**، اطلاق آیه تمام اینها را می‌گیرد و این می‌شود حرام.

نقد دلیل قول مخالف

اما دلیل اینها که می‌گویند چطور در باب زنا سقط جایز نیست اینجا هم بگوییم قرار دادن آن در رحم دیگری جایز است. به نظر می‌رسد که مغالطه آشکاری در اینجا وجود دارد و آن این است که اگر نطفه تلقیح یافته، در رحمی قرار گرفته باشد اینجا سقطش جایز نیست، اما بحث ما این است که هنوز در رحمی قرار نگرفته، چه دلیلی دارد که ما این را در رحمی قرار دهیم؟ اگر بگویید که عنوان قتل را دارد می‌گوییم ما نمی‌خواهیم او را از بین ببریم.

نقد تمسک به روایات سقط جنین

ما در باب سقط جنین یک روایتی داریم که از امام(ع) سؤال می‌کند که زنی حامله است و دارویی می‌خورد که این بچه خود را بیاندازد آیا جایز است یا نه؟ امام(ع) می‌فرمایند جایز نیست و اگر این کار را کرد از دیه ارث نمی‌برد «لأنها قتلته»، چون این زن بچه را از بین برده و قاعده داریم که قاتل ارث نمی‌برد. برخی می‌آیند و از این دلیل الغاء خصوصیت می‌کنند و می‌گویند اگر در دستگاهی بین نطفه و تخمکی تلقیح کردند این هم قتل است و حرام. اگر کسی این الغاء خصوصیت را بپذیرد و بگوید که سقط جنین حرام است ولو در رحم نباشد، اما باز هم آنچه که ما دنبال آن هستیم این است که آیا حفظ این واجب است یا نه و چه دلیلی داریم که او را حفظ کنیم؟

عدم ملازمه میان سقط جنین و حفظ جنین

بنابراین نباید فکر کنیم که بین این دو ملازمه است. قتل حرام است و حفظش هم واجب نیست. زن ایامی که حمل دارد آنچه که بر او حرام است کشتن جنین است، اگر بخواهد کاری کند که قتل بچه به کار او مستند شود حرام است. اما آیا حفظ آن هم واجب است؟ نه. دلیل می‌گوید که قتل نفس محترمه حرام است، اما این نطفه که چهار سلول شده است عنوان محترم را ندارد. و اینکه بگوییم قتل حرام است پس می‌شود در رحم زن دیگری قرار داد این ملازمه ای ندارد.

اتمام بحث حکم ضرر تلقیح

تا اینجا بحث صور تلقیح از نظر حکم تمام شد و بحمد الله بحث مفصلی شد و آن مقداری که ممکن بود جوانب را توضیح دادیم. بحث دوم این است که بچه ای که متولد می‌شود بچه چه کسی است؟